

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۶۱۳۵۲



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

پایان نامه دوره دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه شناسی سیاسی)

بررسی تحولات روشنفکری مذهبی در ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰

جهاندار امیری

۱۳۸۳ / ۲ / ۳۰

استاد راهنما:

دکتر غلامعلی حداد عادل

استاد مشاور:

دکتر عبدالله نصری دکتر جلال درخشه

۶۱۳۵۲

زمستان ۱۳۸۱

مرکز اطلاعات آمار علمی ایران
توسعه و انتشارات



دانشگاه امام صادق (علیه السلام)

دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی

پایان نامه دوره دکتری علوم سیاسی (گرایش جامعه شناسی سیاسی)

بررسی تحولات روشنفکری مذهبی در ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰

جهاندار امیری

استاد راهنما:

دکتر غلامعلی حدادعادل

زمستان ۱۳۸۱

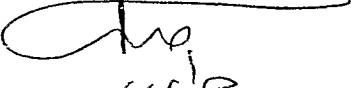
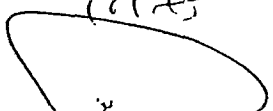

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری
ترجمه، اقتباس و ... از این پایان نامه کارشناسی ارشد
برای دانشگاه امام صادق علیه السلام محفوظ است.
نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

تاییدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از رساله دکتری

اعضای هیات داوران نسخه نهایی رساله آقای جهاندار امیری

تحت عنوان بررسی تحولات روشنفکری مذهبی در ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)

را از نظر شکل و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه دکتری پیشنهاد می کنند.

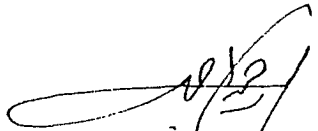
محل امضا	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استاد	غلامعلی حداد عادل	(۱) استاد راهنما :
	استاد	دکتر جلال درخشه	(۲) استاد مشاور :
	دانشیار	دکتر عبدالله نصری	(۳) استاد مشاور :
			(۴) نماینده شورای : تحصیلات تکمیلی دانشکده :


(۵) اساتید ناظر :

(۱) دکتر حمید احمدی

(۲) دکتر ناصر جمال زاده

(۳) دکتر سید محمدرضا احمدی طباطبائی


دانشیار


دانشیار

 جا

خلاصه پایان نامه

عنوان :

تحولات روشنفکری مذهبی در ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۲۰)

این پایان نامه بانگهای تاریخی - اجتماعی به تحولات روشنفکری در ایران به چگونگی جریان دین مدار جامعه از سالهای دهه بیست می پردازد. تلاش علمی برای نشان دادن هماهنگی دین با علوم جدید ، بازسازی حوزه ، ایجاد محافل دینی و فرهنگی برگزاری جلسات سخنرانی و انتشار مجله و کتاب از جمله ویژگیهای حرکت دین مداران اعم از حوزه و دانشگاه بود این واقعیات در حالی بود که جریانهای روشنفکری قبل از آن دین را در تقابل با علم و شرایط نوین زندگی می دیدند.

بعد از کودتای ۲۸ مرداد ضربات مهلکی به جریانهای روشنفکری وارد شد و تقریباً تمامی گروهها و احزاب به دلایل متعددی که در متن تحقیق بدان اشاره شده دچار اختلاف و انزوا شدند و کارائی خود را از دست دادند. برخلاف سایر گرایشهای روشنفکری، مذهبی ها در مدتی کمتر از یک دهه از اوایل دهه چهل مجدداً با پایه و اساس محکمتری به فعالیت پرداختند.

نهاد حوزه با ترمیم نقاط ضعف خود چهره یک اسلام سیاسی و راهگشا را به جامعه نشان داد و به اصلی ترین نیروی مقابله کننده با رژیم تبدیل شد.

تحقیق حاضر در پی یافتن پاسخ این سؤال است که چرا در حالیکه نسلهای گذشته روشنفکری بدون اعتقاد به دین و ارزشهای دینی و گاه با نفی آن به فعالیت پرداختند ، نسلهای جدید از دهه بیست به همکاری با آن رو آوردند و به نقد گذشته روشنفکری و ارائه راه حلهای جدید بر مبنای اسلام پرداختند.

فرضیه اصلی تحقیق آن است که روشنفکران با آگاهی از تاثیر و نقش علماء در تحولات اجتماعی دریافته اند که مبارزه با رژیم حاکم و ایجاد جریانی قدرتمند تنها با استفاده از مبانی و ویژگیهای دین

ممکن می شود.

کلیدواژه:

روشنفکری

روشنفکری مذهبی

اسلام سیاسی

جریانهای سیاسی

نسلهای روشنفکری

خلاصة الاطروحة

العنوان: تطور التنوير الدينى فى ايران بين عامى ١٣٢٠ وحتى ١٣٥٧هـ . ش

هذه الاطروحة تلقى نظرة تاريخية واجتماعية على تطور التنوير الدينى فى ايران وهى تتناول صيغ التيار الدينى للمجتمع خلال العشرينات من القرن الرابع عشر الهجرى الشمسى، وهى تمثل جهداً علمياً يجسد التنسيق بين الدين والعلوم الجديدة، واعادة بناء الحوزة وايجاد المحافل الدينية والثقافية واقامة الاجتماعات الخطابية اضافة الى اصدار المجلات والكتب باعتبارها من جملة الخصائص للحركة الدينية فى اوساط الحوزة والجامعات، وتأتى هذه الحقائق فيما كانت تيارات التنوير السابقة ترى ان الدين يتعارض مع العلم وظروف الحياة العصرية.

وبعد الانقلاب العسكرى الذى حدث فى الثامن والعشرين من مرداد تعرضت تيارات التنوير لضربات قاضية، وقد اصيبت معظم التنظيمات والاحزاب، كما اشرت الى ذلك فى خضم ابحاثى، الى التشنت والعزلة وذلك لعوامل مختلفة وفقدت مصداقيتها، ولكن بخلاف سائر المتنورين من مختلف الاتجاهات، كما تمكن المتنورون دينياً من استئناف نشاطاتهم على اسس اقوى فى غضون اقل من عقد من الزمان اى مع بداية الاربعينيات من القرن الهجرى الرابع عشر. وتمكنت الحوزة ومن خلال اصلاح نقاط الضعف لديها من تقديم صورة ناصعة عن الاسلام السياسى الفاعل فى المجتمع وتحولت الى القوة الاصلية فى مواجهة النظام.

ان البحث الذى بين يديكم يسعى للاجابة على هذا السؤال وهو، لماذا نشطت التيارات المتنورة السابقة بعيداً عن الايمان بالدين والعقيدة الدينية بل واحياناً كانت ترفض الدين من الاساس، بينما أبدى جيل العشرينات تعاوناً وتفهماً للدين واخذ ينتقد ماضى المتنورين ويقدم حلولاً جديدة على اساس الاسلام.

ان الفرضية الاصلية لهذا البحث تتمثل فى ان المتنورين عرفوا تأثير العلماء ودورهم فى التغييرات الاجتماعية وادركوا ان الصراع مع النظام الحاكم وايجاد التيار القوى لن يتاح الا من خلال الاستعانة بمبادئ الدين ومنهجيته.

التيارات السياسيه التيارات المتنوره التنوير التنوير الدينى

فهرست مطالب

صفحه

۱

مقدمه

فصل اوّل

۹

گونه شناسی نسلهای روشنفکری و چارچوب نظری تحقیق

۱۲

نگاهی به مفهوم روشنفکری

۱۴

گونه شناسی روشنفکری در ایران

۱۴

۱- نسل اوّل روشنفکری غرب گرا (روشنفکران لیبرال)

۱۷

۲- نسل دوّم روشنفکران غرب گرا (غرب گرایی در سایه استبداد)

۲۰

۳- روشنفکران چپگرا

۲۳

۴- روشنفکران ملی گرا و ناسیونالیست

۲۶

۵- روشنفکران دینی

۲۹

چارچوب روش شناسی

فصل دوّم

۳۴

شکل گیری نسل اوّل روشنفکری در ایران (روشنفکران غرب گرا)

۳۷

ایرانیان و آشنائی با تمدن جدید

۴۳

اصلاح طلبی عباس میرزا و اعزام دانشجو به اروپا

۴۷

دو اصلاح گرا از حاکمیت (امیر کبیر و سپهسالار)

۵۴

مهمترین نمایندگان نسل اوّل روشنفکری در ایران و افکار آنها

۵۷

الف: غرب گرایی و تقلید همه جانبه از غرب

۶۰

ب: قانون گرایی

۶۴

ج: تأکید بر عقل و علم بشری

۶۷

د: ناسیونالیسم

۷۰

ح: دین ستیزی و تلاش برای حذف آن از جامعه

فصل سوم

- ۷۹ تحول روشنفکری مشروطه خواه به اقتدار گرایی
- ۸۱ روشنفکران و جنبش تنباکو
- ۸۴ علماء و روشنفکران در نهضت مشروطیت
- ۹۵ روشنفکران و علماء بعد از پیروزی مشروطه
- ۱۰۰ زمینه‌ها و عوامل عینی تحول گفتمان روشنفکری
- ۱۰۵ حلقه‌های واسطه تغییر گفتمان روشنفکری
- ۱۰۹ روشنفکران ایرانی مقیم برلین
- ۱۱۳ روشنفکران داخلی و حمایت از رضا خان
- ۱۱۷ حکومت رضا خان و روشنفکران

فصل چهارم

- ۱۲۶ تحول و احیاء نسلهای مختلف روشنفکری در فضای سیاسی بعد از شهریور ۱۳۲۰
- ۱۳۱ بخش اول: چپ گرایی و حزب توده
- ۱۳۲ پیشینه گفتمان چپگرایی تا سال ۱۳۲۰
- ۱۴۱ حزب توده و دلایل گسترش آن
- ۱۵۱ وابستگی به شوروی ریشه ضعف و شکست چپگرایی
- ۱۵۱ ۱- حمایت از اعطای امتیاز نفت شمال به شوروی
- ۱۵۴ ۲- حمایت از فرقه دمکرات آذربایجان و حضور نیروهای شوروی در ایران
- ۱۵۶ ۳- حزب توده از انشعاب تا کودتا
- ۱۶۳ بخش دوم: ظهور و سقوط روشنفکری ملی گرا
- ۱۶۴ ۱- مفهوم ناسیونالیسم و نگاهی تاریخی به آن
- ۱۶۶ ۲- پیشینه ناسیونالیسم و ملی گرایی در ایران تا سال ۱۳۲۰
- ۱۷۰ زمینه‌های تاریخی بیگانه ستیزی بعد از شهریور ۱۳۲۰ در ایران
- ۱۷۴ مهمترین احزاب تشکیل شده بعد از شهریور ۱۳۲۰ در ایران
- ۱۷۸ تشکیل جبهه ملی، عوامل خارجی و زمینه‌های داخلی
- ۱۸۸ شکست ملی گرایان، زمینه‌های داخلی و عوامل خارجی

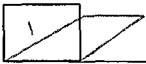
فصل پنجم

- ۱۹۶ روشنفکری دینی و بسترهای تاریخی آن
- ۲۰۰ افول فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی بعد از کودتای ۲۸ مرداد
- ۲۰۰ الف: نهضت مقاومت ملی ایران
- ۲۰۳ ب: حزب توده ایران
- ۲۰۷ ج: جبهه ملی دوم
- ۲۱۵ گفتمان دینی گرایی و فعالیت‌های چریکی در دهه چهل
- ۲۱۹ فعالیت‌های چریکی
- ۲۲۰ الف: سازمان مجاهدین خلق
- ۲۲۳ ب: سازمان چریک‌های فدایی خلق
- ۲۲۷ نهضت آزادی، ملی گرایی ایدئولوژیک
- ۲۳۲ شاخص‌ترین چهره‌های روشنفکری دینی
- ۲۳۲ الف: جلال آل احمد و بازگشت به فرهنگ بومی
- ۲۳۶ ب: مهندس مهدی بازرگان
- ۲۴۱ ج: دکتر علی شریعتی
- ۲۴۶ مهمترین ویژگیها و شاخص‌های روشنفکران دینی
- ۲۴۶ الف: نقد روشنفکران نسل‌های گذشته
- ۲۴۹ ب: نقد دین‌شناسی و روحانیت سنتی
- ۲۵۳ ج: استفاده از علم و آموزه‌های مدرن
- ۲۵۶ د: احیاء دین و نقش آن در جامعه

فصل ششم

- ۲۶۳ تعامل روحانیت نوگرا با روشنفکران
- ۲۶۶ نوگرایی دینی، بسترها و انگیزه‌ها
- ۲۷۰ گفتمان سید جمال‌الدین اسدآبادی و نوگرایی دینی
- ۲۷۵ روحانیت سیاسی و نوگرایی دینی در نهضت مشروطیت
- ۲۸۱ هماهنگی مشروطیت با دین، گفتمان علامه نائینی
- ۲۸۴ احیای فکر دینی در دهه بیست

۲۹۳	گفتمان اسلام سیاسی در دهه بیست
۲۹۳	الف: آیت الله کاشانی
۲۹۷	ب: فدائیان اسلام
۳۰۲	روحانیت و نوگرایی دینی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۳۰۴	الف: آیت الله العظمی بروجردی و نهضت روحانیت
۳۰۷	ب: علامه طباطبائی پشتوانه فلسفی و تفسیری نهضت روحانیت
۳۱۱	روحانیت نوگرا و گفتمان حکومت اسلامی در دهه چهل
۳۲۰	روشنفکران دینی و نهضت روحانیت
۳۲۶	نتیجه گیری فصلها
۳۳۹	منابع و مآخذ



مقدمه

تحت تأثیر ارتباطات نخبگان ایرانی با جهان خارج بویژه اروپا که از اواخر دوران سلطنت فتحعلیشاه به شیوه‌های مختلفی آغاز شد، افکار و اندیشه‌های جدیدی درباره آزادی، سیاست و حکومت در ایران بوجود آمد که بعد از مدتی به ابعاد اجتماعی و اقتصادی تعمیم یافت. ایجاد اصلاحات و مدرنیزاسیون در ابعاد تفکر، نحوه زندگی و اداره جامعه از جمله اهداف و تکیه بر عقل و استعداد بشری، استفاده از تجربیات انسانی بویژه تجربیات کشورهای غربی، پرداختن به اموردنیوی و تقلید از شیوه زندگی اروپایی از جمله ویژگیهای این تفکر جدید بود. نسلها و نسله‌های مختلف روشنفکری در ایران که تحت تأثیر برخورد تمدن غرب با جامعه ایرانی بوجود آمدند در ابتدا بر غربی شدن همه جانبه، استفاده از علم و تجربه، نفی دین و کنار زدن آن از امور سیاسی - اجتماعی تأکید می کردند و علیرغم همکاری روحانیون و متدینین با آنها در راه اندازی مشروطه و پیروزی آن، رویه کنار زدن و منزوی کردن علماء دینی را از صحنه اجتماع و سیاست پیگیری و تعقیب نمودند و تمامی تلاش خود را بر تصویب قوانین غربی و اداره جامعه به شیوه غرب متمرکز نمودند.

نگرش نسل اول روشنفکران ایرانی در لزوم تقلید از غرب و طرد دین و علماء دینی از مسائل اجتماعی و سیاسی بر مبنای این پیش فرض بود که براساس تجربیات جوامع غربی، دین در پاسخگوئی به نیازهای جدید از نگاه روشنفکران ناتوان است و اخذ تمدن غرب بصورت تمام و کمال و حاکم شدن آن راهگشای جامعه در شرایط نوین است. این گرایش در نسلهای بعدی روشنفکران بویژه در روشنفکران دوره مشروطیت و عهد رضا خان نه تنها حفظ شد بلکه سنتها و عقاید دینی علاوه بر ناتوانی در پاسخگوئی به نیازهای جدید به عنوان اصلی ترین موانع تکامل و ترقی معرفی شدند که به هر نحو ممکن باید کنار گذاشته می شدند.

بعد از حوادث مشروطه به دلیل شرایط تاریخی، اوضاع نابسامان اجتماعی ناشی از عملکرد روشنفکران و هرج و مرج ناشی از جنگ جهانی اول، تأسیس حکومتی مقتدر و استبدادی برای کنار زدن موانع تجدد و مدرنیسم و پیشبرد آن به محور و هدف اصلی روشنفکران تبدیل شد. در حقیقت تفکری که به تقلید از غرب طرفدار آزادی، دموکراسی و برقراری نظام پارلمانی بود، دچار تغییر ماهیت و استحاله ظاهری شد و تمامی تلاش روشنفکران و نخبگانی که برای آزادی و حکومت مردمی تلاش فکری و عملی کرده بودند، متوجه قدرت یابی رضا خان و سلطه همه جانبه او بر امور شدند. با روی کار آمدن رضاخان و پیگیری

سیاست کنار زدن دین از مسائل سیاسی و اجتماعی که با همفکری و همکاری روشنفکران عملی شد، نهاد روحانیت و دین که با اعدام شیخ فضل‌الله و ترور بهبهانی و حوادث بعد از مشروطیت صحنه سیاسی را به روشنفکران واگذار کرده بود، دچار محدودیتهای فراوانی شد و همزمان برخی روشنفکران و نویسندگان به نشر افکار ضد دینی و دینهای ساختگی پرداختند و مجدداً ناسیونالیسم مخالف دین، تنفر نسبت به اعراب و باستان‌گرایی برمبنای ایران‌شاهی و زرتشتی‌گری از نو زنده و تبلیغ شد. این خط فکری که همزمان با محدودیت سایر نحله‌های روشنفکری مستقل و چپگرا هم بود تا شهریور ۱۳۲۰ و خروج رضا خان از کشور ادامه یافت. در این مقطع تاریخی با سقوط دولت استبدادی رضا خان در حالی که شرایط جامعه مجدداً برای فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی مناسب شده بود، جریانهای اصلی روشنفکری یعنی چپگرایی، ملی‌گرایی و اسلامی شروع به فعالیت و بازسازی خود کردند و نکته قابل توجه آنکه علیرغم تشدید جو بیگانه‌ستیزی بخاطر شرایط تاریخی از نظر فکری تغییرات چندانی در نگرشهای روشنفکران ملی‌گرا و چپگرا بوجود نیامد.

جدا از تمامی ویژگیهای جریان‌های روشنفکری در این مقطع که در متن تحقیق بدانها اشاره می‌شود نکته قابل توجه آن بود که برخی نگرشها و آموزه‌های روشنفکران نسلهای گذشته از جمله تجدد، غرب‌گرایی و نفی دین از امور اجتماعی بخاطر شرایط تاریخی و جو بیگانه‌ستیزی کمرنگ شده و روشنفکران در صدد همکاری با روحانیت و استفاده از دین برای رسیدن به اهداف خود برآمدند. چپگرایان علیرغم آنکه در باطن و بعد نظری هیچ اعتقادی به دین و دخالت آن در مسائل اجتماعی نداشتند در سالهای اولیه تشکیل حزب توده هیچ اظهارنظری درباره کنار زدن دین و عناد با آن از خود نشان ندادند. ملی‌گرایان در اواخر دهه ۲۰ به همکاری تنگاتنگ با روحانیون برای ملی کردن صنعت نفت و کسب پیروزیهای سیاسی پرداختند و بدون شک موفقیت‌های آنها به میزان زیاد بخاطر همکاری علماء و دخالت آنها در امور بود.

حرکت افراد دین‌مدار و متدین بعد از سالها تحمل فشار و سختی در دوره رضا خان در این مقطع تاریخی از دو نهاد حوزه و دانشگاه برای بازسازی و ترمیم افکار دینی در جامعه آغاز شد. چهره‌های جوان و مذهبی دانشگاه به تلاش علمی برای نشان دادن هماهنگی دین با علوم جدید پرداختند. نهاد حوزه و روحانیت با بازسازی خود از طریق افزایش تعداد طلاب، ایجاد محافل دینی و فرهنگی، برگزاری جلسات سخنرانی و انتشار مجله و کتاب مجدداً به

عنوان نیروی تأثیر گذار در امور اجتماعی مطرح شد. این امر به معنای شکست پیش فرض اصلی روشنفکران نسلهای گذشته در تقابل دین با علم و شرایط نوین زندگی بود. همزمان با تلاشهای فکری و فرهنگی برای بازسازی نقش دین در جامعه، برخی روحانیون فعال سیاسی از جمله آیت الله کاشانی و مرحوم نواب صفوی به عمل و اقدام سیاسی برمبنای دین رو آوردند و حرکتی که در ابتدا صبقه فرهنگی داشت در اواخر دهه ۲۰ با فعالیتهای آنها رنگ و بوی سیاسی به خود گرفت.

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و برخورد شدید کودتاچیان با نیروهای فعال سیاسی، ضربه مهلکی به هر سه گرایش روشنفکری در کشور زد و در مدتی حدود یک دهه، ابتکار عمل، توانائی فعالیت و قدرت تأثیر گذاری در امور از آنها سلب شد. گروهها و احزاب قدیمی، حزب توده، فدائیان اسلام و حتی چهره‌های فعال گذشته دچار اختلاف و ضعف شدند و گروههای جدید از جمله نهضت مقاومت ملی و جبهه ملی دوم به دلیل اختلاف، فقدان رهبری قاطع، آشفتگی تشکیلاتی، ضعف ایدئولوژیکی و برخوردهای خشن رژیم نتوانستند کاری از پیش ببرند. در چنین شرایطی که ایدئولوژیهای گذشته برای زنده نگاه داشتن روح مقاومت و ایستادگی کارآئی خود را از دست داده بود، دو جریان دین مدار در جامعه بخاطر شرایط فرهنگی و مذهبی کشور نه تنها بصورت کامل از صحنه خارج نشدند بلکه تلاش کردند مبارزه را برمبنای ایدئولوژی دینی و استفاده از آموزه‌های دینی پایه ریزی کنند. نهاد حوزه و روحانیت که بسترهای فعالیت آن از سالهای قبل از کودتا آماده شده بود، با ترمیم نقاط ضعف خود، انتشار مجلات وزین علمی چهره یک اسلام سیاسی و راهگشا را به جامعه نشان داد و طی چند سال به اصلی‌ترین نیروی مقابله کننده با رژیم تبدیل شد و همزمان روشنفکران دینی برمبنای برداشتهای جدید از اسلام و روحانیت در شرایطی که گرایش جامعه بسوی دین و تأثیر گذاری آن در جامعه در حال افزایش بود، به فعالیت سیاسی و فکری برمبنای ایدئولوژی دینی رو آوردند.

تحقیق حاضر با نگاهی گذرا به سابقه روشنفکری در ایران و چگونگی شکل گیری آن، همچنین با بیان چگونگی تعامل نسلهای روشنفکری با نهاد دین و دستگاه حاکم، بصورت مشروحتری به تحولات روشنفکری در مقطع تاریخی ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ می‌پردازد و در نهایت با نگاهی به شکل گیری مهمترین جریانهای روشنفکری در این مقطع در پی یافتن پاسخ این سؤال است که چرا در حالیکه نسلهای گذشته روشنفکری بدون اعتقاد به دین و ارزشهای دینی و گاه

با نفی آن به فعالیت پرداختند نسلهای جدید نه تنها به دشمنی با دین پرداختند بلکه به همکاری و پایه‌ریزی مبارزه بر پایه آن رو آوردند و در نهایت تلاش کردند با هماهنگی نشان دادن دین و علم به نقد گذشته روشنفکری و ارائه راه‌حلهای جدید بر مبنای اسلام برآیند؟

سوابق پژوهش: بدون شک کتاب در خدمت و خیانت روشنفکران جلال آل احمد اثری شاخص در خصوص روشنفکری در ایران به شمار می‌آید که البته این اثر به هیچ وجه به موضوع تحقیق حاضر و بصورت مشخص تحولات جریان روشنفکری در ایران نمی‌پردازد. علاوه بر آل احمد محققین و نویسندگانی از دوره مشروطیت تا کنون آثار و مقالاتی درباره چگونگی بیداری ایرانیان، ورود افکار غربی به ایران، چگونگی پیدایش فکر آزادی‌خواهی و اندیشه تجدد و غرب زدگی نوشته‌اند که بنوعی با بحث روشنفکری و تحقیق حاضر مرتبط است. همچنین برخی نویسندگان خارجی درباره اندیشه ترقی در ایران، روشنفکری و نقش دین و روحانیت در تحولات تاریخی ایران تحقیقات و مطالبی نوشته‌اند که به فارسی ترجمه شده‌اند. به عنوان مثال حامد الگار و نیکی کدی در آثار خود به مواردی مانند تأثیر دین و روشنفکران دینی در ایران، چگونگی تحول نهاد روحانیت و دیدگاه آن نسبت به قدرت و حاکمیت پرداخته‌اند و اینکه چگونه روحانیت به شکل نهادی قدرتمند، فعال و منسجم در جامعه ایران ظاهر شد و سلطنت پهلوی را سرنگون کرد. برخی نویسندگان ایرانی مقیم خارج در سلسله بحثها و آثار خود به بیان تحولات جامعه و تحولات نهاد دین و روحانیت پرداخته‌اند. این نویسندگان از جمله احمد اشرف و بنو عزیز با بیان انواع دیدگاهها از اسلام، روشنفکران دینی را جزو گروهی می‌دانند که از اسلام برداشتی رادیکال دارند. آثار و کتابهای این نویسندگان، مقالات مجله‌های سیاسی - تاریخی داخلی، خاطرات افراد، اسناد و مجموعه آثار افراد و نهادهای مرتبط با جریانهای مختلف روشنفکری در ایران از جمله سوابق این پژوهش هستند که در تحقیق مورد استفاده قرار گرفته و به آنها استناد شده است. تلاش نگارنده در این تحقیق آن است که با نگاهی جامعه‌شناسانه و تاریخی به بررسی تحولات روشنفکری در ایران با تأکید بر دوره‌هایی خاص از تاریخ کشور پردازد که در هیچ یک از تحقیقات به عمل آمده، وجود ندارد.

تعریف مفاهیم و ابعاد موضوع: ابتدائی‌ترین تصویری که به ذهن یک محقق در باب روشنفکری می‌رسد، نسبی بودن، گنگ بودن و فقدان یک تعریف جامع درباره روشنفکری که معنا و حدود آن مشخص شده باشد، است. از نظر لغوی اگر چه اصطلاح روشنفکر یک صفت